

## **Individual and social identity crisis in the novel "*Bread on the Table of Uncle Milad*" by Mohammad Al-Naas based on Erikson's theory**

**Article Type: Research**

Zohreh Naemi<sup>1\*</sup>, Abdullah Hoseini<sup>2</sup>, Salman Azmoon Ali Abad<sup>3</sup>

### **Abstract**

The identity in the contemporary world is very important in sociological studies due to the place of individuality and its placement in front of the collective spirit. The reflection of this issue in literature, especially in the novel, is also very impressive. the novel "*Bread on the Table of Uncle Milad*" written by Mohammad Al-Naas, the winner of the 2022 Arab Booker Prize, is a work that deals with the issue of identity and its challenges and the confrontation of individual identity against social identity in the society in question of the novel. the current research aims to explain this issue and by relying on the analytical-sociological method centered on Erikson's theory about identity, it has investigated the confusion of identity in the conflict between the "self" of the individual and the society in the mentioned novel. The results show that the course of the story is designed in such a way that the stories about the conflict in the story ended with consequences such as: alienation from oneself, suicide, conflict between self and society, and passivity, which can be explained based on Erikson's theory. Also, the author, by planning a conflict over identity, seeks to inculcate the point that today individual characteristics are of great importance in acquiring identity, that society's lack of attention to it and the imposition of social identity on an individual may cause him to deviate and collapse.

---

<sup>1</sup>- Corresponding Author, Associate Professor, Department of Arabic Language and Literature, Kharazmi University, Tehran, Iran; ORCID ID: <https://orcid.org/0000-0003-1808-5981>; E-mail: [naemi.zohreh@khu.ac.ir](mailto:naemi.zohreh@khu.ac.ir)

<sup>2</sup>- Associate professor, Department of Arabic Language and Literature, Kharazmi University, Tehran, Iran. ORCID ID: <https://orcid.org/0690-3960-0002-0000>

<sup>3</sup>- PhD student of Arabic language and literature, Kharazmi University, Tehran, Iran. ORCID ID: <https://orcid.org/0000-0003-1930-6168>

**Keywords:** Confusion of identity, Erikson's theory, self and society, Mohammad Al-Naas, "Bread on Uncle Milad's Table" novel.

## 1. Introduction

In building his identity, contemporary man is no longer subject to the traditions or customary values of the society, Rather he is looking for an identity that he likes Or it has tendencies in its existence that sometimes may conflict with social identity and confuse her in the way of building her identity and put her under the pressure of society. In such a case, the person will face an identity crisis. In this case, having an independent identity, a person is faced with the society's desired identity, and all her efforts will be to prove his identity. Nowadays, novels reflect many social issues. The novel of "Bread on Uncle Milad's table", written by Mohammad Al-Naas, the winner of the 2022 Arab Booker Prize, represents the identity crisis in its first character. A crisis that originates from the individual's different tendencies against the dominant identity of the society. In this novel, the author tries to explain the causes of the identity crisis and its consequences.

## Research Questions

How is the identity crisis and the conflict between "self" and "society" manifested in the novel "Bread on Uncle Milad's table"? And what is the purpose of this issue in the novel?

## 2. Literature Review

The current research has used Erikson's identity crisis theory in line with the sociological analysis of the investigated novel. This theory states that when a person cannot create his identity according to society's expectations, he will suffer confusion, emptiness, alienation and loneliness, and may even choose suicide as a solution. (Erickson, 1963: 40) Using Erikson's theory, this article has provided a clear analysis of the causes and consequences of identity crisis.

## 3. Methodology

The present article has investigated the issue of identity crisis in the mentioned novel by using descriptive-analytical method and sociological perspective and relying on Erikson's identity crisis theory. In this regard, the individual's conflict with social identity has been

examined first, and then the consequences of this conflict for the individual have been explained.

#### 4. Results

In this novel, Mohammad Al-Naas has depicted the conflict between individual identity and social identity and by showing the causes of this conflict, he has provided the audience with an understanding of this issue. In explaining the consequences of the identity crisis, the author has developed the stories in such a way that Milad (By being in a tight position between his personality and the pressures of society and with a feeling of helplessness and emptiness) either behaves against his inner desire, commits suicide, becomes passive, or falls into a state of confusion. Most of these cases, according to Erikson's theory, are the result of lack of identity. By plotting the life story of the first character (Milad), the author insinuates to the audience that nowadays, people are no longer necessarily subordinate to society in acquiring their identity and in case of society's coercion, a person may deviate and collapse in conflict between himself and society. **The author has been able to criticize the patriarchal society by showing the characteristics of the society and the pressures on Milad to become a man; society that defines male identity by the degree of dominance a person has over women. In fact, by placing Milad in front of the traditional society, the author has rebelled against the values of such a society.**

## بحران هویت فردی و اجتماعی در رمان "خبز علی طاولة الخال میلاد"

محمد النعاس با تکیه بر نظریه اریکسون

نوع مقاله: پژوهشی

زهره ناعمی<sup>۱\*</sup>، عبد الله حسینی<sup>۲</sup>، سلمان آزمون علی آباد<sup>۳</sup>

۱. دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

۲. دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

۳. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۴/۱۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۱۳

### چکیده

مسأله هویت در دنیای معاصر با توجه به برجسته شدن فردیت و فرار گرفتن آن در مقابل روح جمعی از اهمیت بسیاری در مطالعات جامعه‌شناختی برخوردار است. بازتاب این مسأله در ادبیات به ویژه در رمان نیز بسیار چشمگیر است. زیرا رمان‌ها تا حد زیادی نمودی از زندگی واقعی اجتماعی هستند. از این میان، رمان "خبز علی طاولة الخال میلاد" نوشته محمد النعاس، برندهٔ جایزه بوکر عربی ۲۰۲۲م، اثری است که به موضوع تقابل هویت فردی و هویت اجتماعی در جامعه مد نظر رمان، پرداخته است. از همین رو پژوهش حاضر با هدف تبیین این موضوع و با تکیه بر روش تحلیلی-جامعه‌شناختی با محوریت نظریه اریکسون در مورد هویت، به بررسی بحران هویت و کشمکش بر سر آن بین فرد و جامعه در رمان مذکور پرداخته است. نتایج نشان می‌دهند که سیر داستان طوری طراحی شده است که ماجراها در مورد کشمکش موجود در داستان به پیامدهایی از قبیل: از خود بیگانگی، خودکشی، دچار شدن به تعارض بین خود و جامعه و انفعال، ختم شده است. همچنین نویسنده با طرح کشمکش بر سر هویت، در پی القای اهمیت ویژگی‌های فردی در کسب هویت است که عدم توجه جامعه به آن و تحمیل هویت اجتماعی به فرد، ممکن است سبب انحراف و فروپاشی او شود.

**کلمات کلیدی:** بحران هویت، نظریه اریکسون، خود و جامعه، محمد النعاس، رمان خبز علی طاولة

الخال میلاد.

## مقدمه

مسأله هويت در دنياي معاصر، مورد اهتمام بسياري از مطالعات اجتماعي است؛ زيرا تحولات متعدد جهان در زمينه‌هاي گوناگون، هويت در جنبه‌هاي مختلف آن (فردی، اجتماعي، ملي، ديني) را مورد چالش جدي قرار داده است؛ اين مسأله تا حد زيادي با تحولات سريع عصر حاضر ارتباط دارد؛ تغييراتي که فرصت پرداختن به خود را از فرد گرفته و او را دچار سرگشتگي کرده است. در همين راستا، انسان معاصر در ساختن هويت خود، ديگر تابع ارزش‌ها و سنت‌هاي کهن و يا ارزش‌هاي عرف جامعه نيست، بلکه به دنبال هويتي است که دلخواه فرد است يا گرايش‌هايي در وجود خود دارد که گاه ممکن است با هويت اجتماعي تعارض داشته باشد و از همين رو فرد در مسير ساختن هويت خود دچار سردرگمي شود يا تحت فشار جامعه قرار بگيرد و با آن درگير شود. در چنين حالي شاهد بحران هويت هستيم. در همين راستا گاهي فرد با هويتي مواجه مي‌شود که از پيش توسط جامعه تعيين شده و او در پذيرش آن دچار مشکل مي‌شود به ويژه زماني که آن هويت تحميل شده با فرديت وي تعارض داشته باشد. در اين حالت نيز فرد با داشتن هويتي مستقل، در برابر هويت دلخواه جامعه قرار مي‌گيرد و تمام تلاش او، تلاش براي اثبات هويت خواهد بود.

امروزه رمان‌ها (به ويژه رمان‌هاي اجتماعي) منعکس کننده مسائل اجتماعي هستند و بسياري از واقعيته‌ها را در عرصه داستان بازتاب مي‌دهند. رمان "خير علي طاولة الخال ميلاد" نوشته محمد النعاس، برنده جايزه بوکر عربي سال ٢٠٢٢، عرصه درگيري فرد بر سر هويت در جامعه ليبي است. شخصيت اول داستان، ميلاد، در کشمکشي دائم بر سر هويت است؛ از يک طرف تحت فشار جامعه براي کسب هويت (مرد شدن) است و از طرفي ديگر به هويتي که برآمده از وجودش مي‌باشد کشش دارد. جامعه مي‌خواهد به زور او را مرد کند ولي کشش‌هاي دروني، وي را به سمت مقابل هويت اجتماعي سوق مي‌دهد. اين درگيري منجر به آشفتگي و فقدان هويت در شخصيت اول مي‌گردد. از همين رو پژوهش حاضر با تکیه بر روش تحليلي - جامعه - شناختي با محوريت نظريه اريکسون در مورد هويت، در پي بررسي بحران هويت و درگيري بر سر آن، بين جامعه و خود فرد است تا ابعاد، دلایل و پیامدهای این درگیری را تبیین نماید. مطالعه جامعه‌شناختي بحران هويت، قدمي خواهد بود براي واکاوي اين موضوع و گره‌گشايي

از آن در جوامع حقیقی که رمان مذکور نمادی از آن‌ها است. سؤالی که این پژوهش در صدد پاسخ‌گویی به آن است به شرح ذیل می‌باشد:

- بحران هویت و درگیری بر سر آن بین "خود" و "جامعه" در رمان «خبز علی طاولة الخال میلاد» چگونه تجلی می‌یابد؟ و چه مقصودی از طرح این مسأله در رمان مد نظر است؟

### پیشینه پژوهش

با توجه به تازه تألیف بودن رمان مذکور و برجسته شدن آن در جائزه بوکر عربی ۲۰۲۲، تا کنون تنها یک پژوهش علمی و یک تحلیل ادبی در خصوص این اثر منتشر شده است:

- حیدر محلاتی (۲۰۲۳م) در مقاله‌ای تحت عنوان «الموروث التقليدي وصناعة العنف؛ دراسة تحليلية في رواية «خبز علی طاولة اخلال میلاد» للروائي الليبي محمد النعاس» به بررسی تأثیر سبک زندگی سنتی و پیامدهای مدرنیته در جامعه مورد نظر رمان بر شخصیت اول پرداخته و بیان می‌کند که نویسنده توانسته است که سنت حاکم در جامعه را برای بازنگری به چالش بکشد و مشکلات را به انگیزه‌ها و دلایل واقعی آن نسبت دهد.

- سماح ممدوح حسن (۲۰۲۲م) در مقاله‌ای تحت عنوان «خبز علی طاولة الخال میلاد... کیف تصنع مجتمعاتنا العربية القتلة» با نگاهی گذرا به بررسی جامعه رمان (لیبی) و تحمیل خط مشی اجتماعی بر افراد، پرداخته است و آن را واقعیت دردناک بسیاری از جوامع مانند لیبی می‌داند. اما در مورد موضوع هویت پژوهش‌های مختلفی در آثار ادبی انجام شده است که نزدیک‌ترین آن‌ها به پژوهش حاضر، ذکر می‌شود:

- صبری جلیلیان (۱۳۹۴ش) در رساله‌ای تحت عنوان «جلوه‌های مقاومت، نوستالژی و بحران هویت در شعر شاعران تبعید عراقی (بررسی موردی اشعار عدنان الصائغ و حسن رحیم الخرسانی)» در بخشی جداگانه به بررسی بحران هویت در شعر شاعران مذکور پرداخته و بیان می‌دارد که شاعران به خاطر فشارهای بیرونی دچار بحران هویت فردی با ابعاد ملی و تاریخی شده‌اند.

- علی افضلی، نسترن گندمی و مهدخت نبوی (۱۳۹۷ش) در مقاله‌ای با عنوان «در جستجوی خویشتن؛ واکاوی بحران هویت در رمان "ساقه بامبو" بر اساس نظریه اریکسون» به بررسی بحران هویت فردی و اجتماعی و مظاهر آن بر اساس نظریه اریکسون پرداخته‌اند و بیان می‌کنند

که شخصیت اول داستان در پی تکوین هویت خود دچار دوگانگی، سرگردانی و وقفه هویتی شده است.

- زهرا سعادت نژاد، نگار مزاری و محمد رضا فارسیان (۱۳۹۹ش) در مقاله‌ای تحت عنوان «تحلیل روانشناختی بحران هویت قهرمان زن در فرهنگ مردسالار از خلال مطالعه رمان ترس و لرز نوشته نوتومب»، کشمکش‌های درونی و بحران هویت قهرمان رمان (املی) را بررسی نموده و بیان می‌کنند که فرهنگ جامعه مردسالار عامل کشمکش‌های درونی شخصیت اول و عدم توانایی او در اثبات استعدادهايش است.

- تور ایمان و دغنوش خوچه (۲۰۲۱م) در پایان‌نامه‌ای با عنوان «أزمة الهوية والاعتزاز في رواية "أن تبقى" لخولة حمدي» به بررسی بحران هویت و ارتباط آن با غربت پرداخته‌اند و بیان می‌دارند که نویسنده در این رمان در مورد روابط خود و دیگری، توانسته است هم‌زیستی خود را با دیگری به تصویر بکشد و درگیری بین‌شان را نیز نشان دهد.

- إحموش تینهینان و غلابي مختارية (۲۰۲۲م) در پایان‌نامه‌ای با عنوان «تمثالات الهوية في رواية عناق عند جسر بروکلین لعزّ الدين شکري فشیر» با نگاه به مهاجرت و بحران هویت به بررسی و تحلیل آن در رمان مذکور پرداخته‌اند. ایشان به این مهم دست یافته‌اند که بحران هویت در مسائلی مانند درگیری تمدن و درگیری بین خود و دیگری تجلی می‌یابد.

- الهام خادمی و دیگران (۱۴۰۲ش) در مقاله‌ای تحت عنوان «واکاوی هویت نوجوانان در رمان فاتن بر اساس نظریه اریک اریکسون» که در همایش بین‌المللی پژوهش‌های میان‌رشته‌ای در پرتو زبان عربی و جریان‌های ادبی منتشر شده است به بررسی چالش‌های هویتی نوجوانان در رمان فاتن، اثر فاطمه شرف‌الدین پرداخته‌اند. پژوهشگران بیان می‌دارند که نویسنده در پی تشویق نوجوانان به کسب هویت رشد یافته است؛ هویتی که می‌تواند با آگاهی و فراتر از جایگاه اجتماعی فرد شکل بگیرد.

## هویت

مشهورترین نظریه‌پرداز در حوزه هویت اریک اریکسون<sup>۱</sup> است که احراز هویت در نظریه او مفهومی مرکزی است؛ طوری که او تمام فعالیت‌ها برای رشد را تلاشی می‌داند برای رسیدن به

احساس هویت‌مندی. (الجزار، ۲۰۱۱م: ۳۵) از نظر اریکسون، هویت یک احساس نسبتاً پایدار از فردیت است که فرد همواره با خود دارد. این احساس در نقشی تجلی می‌یابد که او در گروه به عهده گرفته است. (شرفی، ۱۳۸۱: ۸) به بیانی دیگر، «هویت مجموعه معانی‌ای است که چگونه بودن را در خصوص نقش‌های اجتماعی به فرد القا می‌کند و یا وضعیتی است که به او می‌گوید او کیست و مجموعه معانی‌ای را برای فرد تولید می‌کند که مرجع کیستی و چیستی او را تشکیل می‌دهد». (ابوالحسنی، ۱۳۸۸: ۲۴)

به طور نظری و تجربی، هویت در دو جنبه اجتماعی و فردی قابل بررسی است؛ طوری که این دو در عنصر تشکیل دهنده از هم متمایز هستند. اما در عین حال می‌توان هویت فردی و اجتماعی را دو سوی یک پیوستار دانست. (غضنفری، ۱۳۸۵: ۱۲۴)

### هویت فردی و اجتماعی

هویت فردی، همان حس استقلال شخصی است که در دوره نوجوانی بروز می‌کند و فرد ظهور خود در جامعه را به عنوان خود مستقل درک می‌کند و با تمام ویژگی‌هایش از قبیل جنس، دین، باورها و ... خود را به عنوان یک عضو جامعه معرفی می‌کند. فرد به واسطه هویت فردی می‌تواند ویژگی‌های شخصی که او را از دیگران متمایز می‌کند، بشناسد. (تینهیان؛ مختاریه، ۲۰۲۲م: ۱۵) به بیانی دیگر هویت فردی همان خود است که شخص را به عنوان فردی یگانه، بر اساس تفاوت‌های فردی‌اش، متمایز از دیگر اشخاص معرفی می‌کند و فرد آن را به عنوان بازتابی از زندگی خود می‌پذیرد. بنابر این هویت فردی با ارجاع به داشته‌های فردی مانند استعداد و شایستگی تعریف می‌شود و در توانایی فردی او در به کارگیری ضمیر خود «من» و ارزش‌های فردی تجلی می‌یابد. (عبداللهی؛ حسین‌بر، ۱۳۸۱: ۱۰۷)

اما هویت اجتماعی، مهم‌ترین بعد هویت است که ابعاد دیگر، تحت حاکمیت آن قرار می‌گیرند و در ارتباط با آن شکل می‌یابند. (ماهوزی و همکاران، ۱۳۹۹: ۲۵۸) این بعد از هویت، شیوه‌ها و منش‌هایی است که به واسطه آن‌ها، افراد و جماعات در روابط اجتماعی خود از دیگر افراد متمایز می‌شوند و حاصل آن پیوندهای جمعی و تمایز نسبت‌های تفاوت و تشابه میان افراد و جماعات است. (جنکینز، ۱۳۸۱: ۷) هویت جمعی تاکید بر این نکته دارد که مردم چگونه به هم شباهت می‌یابند و به باور عموم چه چیزی وجه اشتراک آن‌ها است. در واقع هویت جمعی آن

وجوه اشتراك در گروه را در بر می‌گیرد که باعث تفاوتشان از گروه‌های دیگر است. به عنوان مثال گروهی که دین خاصی دارند به همین واسطه از گروهی که دین متفاوتی دارند، متمایز می‌شوند و آن دین بخشی از هویت جمعی آن گروه خواهد بود. (صابری؛ مجتبی، ۱۴۰۰: ۳۸)

### بحران هویت و پیامدهای آن

اریکسون در نظریه خود در خصوص هویت به بحث بحران و آشفتگی هویت، پرداخته است. بحران هویت به معنی عدم موفقیت فرد در شکل دادن به هویت است. بحران هویت گاه به سطح آشفتگی هویت می‌رسد؛ به این معنی که فرد در شکل دادن به هویت، نسبت به نقشی که پایه هویت اوست دچار سردرگمی و آشفتگی می‌شود. در این حالت، فرد منزوی و مضطرب است، تصمیم‌های مهم می‌گیرد ولی قادر به انجام آن نیست. در مرحله آشفتگی هویت، نقش معلوم است اما فرد نسبت به ایفای آن سردرگم است. (شرفی، ۱۳۸۱: ۱۸-۲۰) فرد در حالت آشفتگی هویت، خودش را همان چیزی می‌شناسد که جامعه (والدین، دوستان و نزدیکان) به او شناسانده است، قبل از اینکه خودش برای ساختن هویت دچار دغدغه و چالش شده باشد. بنابراین تلاش فرد همواره بر این است که خود را به انتظارات جامعه نزدیک کند. فرد در چنین حالتی خط مشی زندگی را از دیگران می‌گیرد و به دیگران تکیه می‌کند.

زمانی که فرد در بحران هویت در حالت آشفتگی قرار بگیرد و این چالش منجر به کسب و تثبیت هویت نشود، پیامدهایی را خواهد داشت. اریکسون احساس پوچی، از خود بیگانگی و تنهایی را از اصلی‌ترین پیامدهای فقدان هویت می‌داند. در این حالت حتی ممکن است فرد دچار "هویت منفی" شود؛ یعنی به دنبال هویتی بر خلاف انتظار جامعه باشد. از نظر اریکسون احراز هویت، امری حیاتی برای هر فردی است. فرد بدون کسب هویت خاص خود، میلی به زندگی نخواهد داشت و ممکن است خودکشی به عنوان راهکاری برای رهایی از این مشکل انتخاب شود؛ زیرا شخص با خود می‌پندارد: این که بمیرم، بهتر است از آنکه شخص کاملی نباشم، شخصی که هویتی ندارد. (Erickson, 1963: 40)

فرد بی هویت، دچار اضطراب دائم است و خود را بی ارزش می‌داند. او در این حالت انگیزه‌ای برای انجام وظیفه خود در قبال دیگران ندارد و ممکن است به اموری غیر مرتبط با نقش خود روی آورد. (شرفی، ۱۳۸۱: ۲۰) از پیامدهای مهم دیگر در این زمینه، انفعال است؛ یعنی چون فرد در روند هویت یابی، در درون خودش توانایی کافی را نمی‌بیند، نگاهش به بیرون است. منتظر است تا دیگران برایش الگوی رفتاری ارائه دهند و خط مشی زندگی را به او عرضه کنند. (همان: ۲۴)

### خلاصه رمان

میلاد شخصیت اول داستان «خبز علی طاولة الخال میلاد» است که تمام قصه، حول محور او می‌چرخد. او در خانواده، تنها پسر است و چهار خواهر دارد. تربیتش به شدت تحت تأثیر خواهران است. پدر میلاد نانوا است. میلاد نیز آرام آرام از پدر پخت نان‌های صنعتی را یاد می‌گیرد. او به شدت از جانب پدر برای مرد شدن تحت فشار است.

میلاد با خیال مرد شدن به سربازی می‌رود؛ اما به خاطر فشارهای بسیار اقدام به فرار از پادگان و سپس خودکشی ناموفق می‌کند. بعد از سربازی و با فوت پدر، میلاد سرپرست خانواده می‌شود. او که احساس می‌کند در مورد مرد شدن بسیار ناتوان است، تصمیم می‌گیرد به عبسی (پسر عمویش) تکیه کند. او بعد از سربازی سراغ زینب خواهر دوست مدرسه‌اش در کودکی می‌رود و با وی ازدواج می‌کند.

میلاد را در محله نسبت به خانواده‌اش بی‌غیرت می‌دانند. عبسی در این مورد با او صحبت می‌کند. میلاد پس از شنیدن حرف‌های عبسی، اقدام به خودکشی ناموفقی می‌کند. مدتی می‌گذرد و میلاد از کار فاصله می‌گیرد، کارهای خانه را انجام می‌دهد و زینب نان آور خانه می‌شود. روزی عبسی از رابطه زینب با مدیر مؤسسه‌اش به میلاد خبر می‌دهد. میلاد آن‌ها را تعقیب کرده و وارد ماجرا می‌شود. زینب را از کافه‌ای که در آن بودند به خانه می‌برد. او پس از مشاجره‌ای در این مورد خودش را از پشت بام پرت می‌کند که فقط منجر به شکستن پایش می‌شود.

میلاد بار دیگر به توصیه عبسی و مریم (همکار زینب)، زینب و مدیرش را تعقیب کرده، می‌بیند که آن‌ها به ساختمان عمویش می‌روند. میلاد این موقعیت را دال بر خیانت جنسی زینب تلقی می‌کند. شب، وقتی به خانه برمی‌گردد به شدت زینب را می‌زند و در نهایت او را به قتل می‌رساند.

### بررسی کشمکش بر سر هویت در رمان *خبیر علی طاولة الخال میلاد*

در این رمان شاكلة اصلی و گره پیش‌برنده داستان، کشمکش بر سر هویت بین جامعه و "خود" شخصیت اول، میلاد، است؛ طوری که از یک طرف، جامعه می‌خواهد که هویت جمعی خاصی (مرد شدن در جامعه‌ای به شدت مردسالار) را بر او تحمیل کند و از طرف دیگر، کشش‌های درونی میلاد، وی را به عدم پذیرش هویت اجتماعی، فرا می‌خواند. جامعه مردسالار به میلاد اجازه نمی‌دهد آنطور که خودش می‌خواهد، آزادانه، زندگی کند و شکل زندگی همگانی را به او تحمیل می‌کند. در چنین وضعیتی شاهد درگیری میلاد با جامعه بر سر هویت هستیم. در این داستان فرد جایگاهی که باید داشته باشد را جامعه برایش تعریف کرده است، ولی او برای رسیدن به آن ناتوان و سر در گم است؛ زیرا با کشش‌های درونی او تعارض دارد. بنابر این، بحران هویت در این رمان بیشتر در آشفتگی هویت نمود دارد. این آشفتگی از طرفی از تحمیل هویت اجتماعی بر فرد و از طرف دیگر از کشش‌های درونی نشأت می‌گیرد.

#### گرایش به هویت اجتماعی

جامعه همواره فرد را به پذیرش هویت جمعی سوق می‌دهد و در این راستا، مسائل مختلفی گاه به عنوان اهرم فشار بر فرد عمل می‌کنند. در این داستان نیز مواردی از قبیل: سطح فرهنگی پایین، مردسالاری، ساختارهای اجتماعی تحمیل‌گر و خانواده، اهرم‌های فشار در تحمیل هویت اجتماعی بر فرد هستند.

#### سطح فرهنگی پایین

از نظر اریکسون آداب و رسوم متعدد اجتماعی که در زندگی روزمره جریان دارد، احساس شخصی و گروهی نسبت به هویت را حمایت می‌کند و پشتوانه‌ای است برای کسب هویت. (کوزن، ۲۰۱۰م: ۱۶۸) بنابرین فرد برای به دست آوردن هویتی که او را در گروه جای دهد، ناگزیر از فرهنگ جامعه و پذیرش آن است.

در رمان حاضر، یکی از عوامل فشار سنگین بر میلاد در مسیر کسب هویت (مرد شدن)، فشاری است که به واسطه فرهنگ پایین جامعه بر او وارد می‌شود. از مظاهر این امر نگاه غالب نسبت به اموری است که جامعه آن را فقط وظیفه مرد یا فقط زن می‌داند. میلاد در این داستان برخی کارهای خانه را انجام می‌دهد، اما او این کار را از خانواده مخفی نگاه می‌دارد؛ چرا که در

صورت آشکار شدن آن، مورد ملامت و سرخوردگی قرار می‌گیرد. برای مثال، میلاد روزی که در خانه دستش را به واسطه شستن ظرف‌ها بریده و از مادرش کمک می‌خواهد، مادر او را به خاطر شستن ظرف‌ها مؤاخذه می‌کند: «كنتُ أغسلُ الأواني. وقع الطَّبَق داخل المغطس، وارتدَّ إلى يدي فصنع جرحًا... نزلتُ من الشقة إلى أمي حتى أطلب منها المساعدة... أخبرتُها... فكان ردَّ فعلها الأوَّل أنه لا يجدر بي من موقع الرِّجل أن أغسل الأواني!». (النعاس، ۲۰۲۰: ۵۰) ملاحظه می‌شود که نگاه سطح پایین جامعه (که اینجا مادر میلاد نماینده آن است) با محدودی که بین امور زن و مرد ترسیم نموده، مرد بودن میلاد را به صرف انجام کاری که لزوماً زنانه نیست، به چالش می‌کشد. این امر ناشی از نگاه جنسیتی در جامعه است که مرد بودن را ارزش تلقی می‌کند و زنان را تابع و مطیع مردان می‌داند که فقط در حریم خانواده نقش ایفا می‌کنند؛ اما مردان در اجتماع، اشتغال و حضور فعال دارند. (احمدی، ۱۴۰۰: ۵۵۱) در چنین الگویی هر گونه تخطی از آن، هویت فرد را به چالش خواهد کشید. نویسنده با ترسیم فضای فکری موجود، سطح فرهنگ پایین جامعه رمان را نشان می‌دهد که مرد بودن میلاد را به خاطر تخطی از حدود موجود به چالش کشیده است. از دیگر موارد اصلی که در داستان، نگاه نادرست جامعه را به تصویر می‌کشد، مسأله عدم فرزندآوری میلاد است که با نگاه تحقیرآمیز جامعه همراه است؛ چرا که در جوامع با سطح پایین آگاهی، «مردان نا باروری را به عنوان حمله به قدرت مردانگی می‌دانند». (اکبری، ۱۴۰۲) چنین نگاهی میلاد را به شدت تحت فشار قرار داده است؛ میلاد حرف‌های مردم در مورد بی‌اولاد بودن را عاملی می‌داند که برایش آزار دهنده و بسیار سنگین است (زیرا مرد بودنش را زیر سوال برده است): «صارت نظرات الشفقة تواجهنني حيثما ذهبت، وبتَّ أسمع همسات الرِّجال والنِّساء في القرية تكشط ظهري بكوني عقيمًا...». (النعاس، ۲۰۲۰: ۲۴۵) نویسنده با پرداختن به چنین مسائلی از جامعه، نشان می‌دهد که چنین جامعه‌ای هرگز نمی‌تواند فکر و رفتار متفاوت فردی که فراتر از فرهنگ جامعه حرکت می‌کند را بپذیرد. میلاد در جامعه‌ای با

۱- «داشتم ظرف‌ها را می‌شستم، بشقاب داخل سینک افتاد و دستم را زخمی کرد... از ساختمان پایین آمدم تا از مادرم کمک بخواهم... جریان را به او گفتم... اولین واکنشش این بود که برای من در جایگاه یک مرد شایسته نیست که ظرف بشویم».

۱- «نگاه‌های از سر دلسوزی همه جا پیش رویم بود و بیچ بیچ مردان و زنان در مورد عقیم بودنم را می‌شنیدم که گوشت تنم را می‌ریخت».

این ویژگی فرهنگی که در پی غالب کردن هویت دلخواهش بر فرد است، بر سر به دست آوردن هویت (مرد شدن) دچار بحران و درگیری است.

### مردسالاری

در جامعهٔ رمان، رسوخ نگاه مردسالارانه آنقدر شدید است که زن را به عنوان یک موجود درجهٔ دومی می‌بیند و به مرد اجازه می‌دهد هر طور که می‌خواهد با زن برخورد کند. در همین راستا در جایی از رمان آمده است: «في البلاد، مهما فعل الرجل يجب على الأثني ألا ترفع صوتها عليه»<sup>۱</sup>. (همان: ۲۳۴) حال آنکه میلاد فردی است که به زنان احترام می‌گذارد و رفتاری متفاوت از جامعه با آنان دارد. به عنوان مثال، زینب او را فردی مهربان و دلسوز می‌داند که با او با احترام برخورد می‌کند: «أحببتك لأتتك أنت، حنوناً ولطيفاً... ولأتتك تحترمني»<sup>۲</sup> (همان: ۱۶۴) در جای دیگری، وقتی میلاد در مشاجره‌ای به زینب سیلی می‌زند، با خودش می‌گوید که قبلاً فکر می‌کرده با چنین کاری احساس اقتدار خواهد داشت، ولی با انجام این کار، هرگز چنین حسی ندارد و ابراز پشیمانی می‌کند: «لم أصدق أيّ صفتها حقاً، وإن تحيلتُ موقفاً كهذا أكثر من مرة، كنتُ فيها أحياناً أشعرُ بالنشوة والانتصار، ولكنّ ما شعرتُ به، لم يكن طعم الانتصار»<sup>۳</sup>. (همان: ۷۸) این کلام نشانگر عدم میل باطنی میلاد و انجام چنین کاری فقط به خاطر توجیه جامعه است؛ «زیرا به طور غالب خشونت علیه زنان نتیجهٔ جامعهٔ مردسالار است که زن را تحت سلطهٔ خود میداند». (احمدی، ۱۴۰۰: ۵۵۱) چنین جامعه‌ای به میلاد فشار می‌آورد که با زن رفتاری خشونت بار داشته باشد (تا مرد بودن خود را ثابت کند)؛ اما این کار هرگز با شخصیت او سازگار نیست. برای مثال، عبسی پسر عموی میلاد به او توصیه می‌کند که زینب را تنبیه کند و برای این کار نیاز به دلیل ندارد: «[عبسی:] لا تحتاجُ إلى أيّ دليلٍ لتضرب زوجتك، أنا أحياناً أضربُ أخواتي فقط للتسليّة

۲- «در این کشور مرد هر کاری بکند، زن نباید صدایش را هم برای او بلند کند».

۳- «تو را دوست دارم چون خودت هستی ... دلسوز و مهربان ... و چون به من احترام می‌گذاری».

۱- «باور نکردم که واقعا او را سیلی زدم، با اینکه چندین بار چنین موقعیتی را تصور کرده بودم در آن احساس سرمستی و پیروزی داشتم؛ اما آنچه که احساس کردم هرگز طعم پیروزی نبود».

وإبعاد شبح الكساد عني... إسمع، النساء يربعهنّ الحزام، الحزام سلاح الرجل القاهر<sup>۱</sup>. (النعاس، ۲۰۲۰م: ۲۷۵) عبسی کتک زدن زن را ابزاری برای تعریف هویت (مرد بودن) به میلاد القا می‌کند. جامعهٔ مردسالار میلاد را به سمت هویت اجتماعی سوق می‌دهد و چنین القا می‌کند که با همراه شدن با عرف جامعه، هیبت مردانگی را به دست خواهد آورد. در این جامعه، وقتی مردی با زن برخوردی شایسته داشته باشد، با جامعه دچار تعارض خواهد شد. از همین رو میلاد علی رغم میل باطنی به سمت هویتی که جامعه می‌خواهد سوق داده می‌شود. محمد النعاس جامعهٔ مردسالار را به عنوان مشکلی که میلاد را در رسیدن به هویت، دچار بحران و درگیری کرده است، نشان می‌دهد. نویسنده با ایجاد درگیری بین فرد و جامعهٔ مردسالار به مخاطب القا می‌کند که امروزه به دست آوردن هویت، لزوماً با تبعیت از جامعهٔ مردسالار میسر نمی‌شود؛ چرا که چنین جامعه‌ای ممکن است فرد را به انحراف بکشد؛ همانطور که میلاد تحت فشارهای بیرونی به جایی می‌رسد که در نهایت حتی همسرش را نیز به قتل می‌رساند.

### ساختارهای اجتماعی تحمیل‌گر

منظور از ساختارهای تحمیل‌گر، برخی از سیستم‌های موجود در جامعه هستند که بخشی از اجتماعی شدن را بر افراد تحمیل می‌کنند. حال اگر فرد نتواند فشار چنین ساختارهایی را تحمل کند، با احساس ناتوانی، دچار فشارهای روانی خواهد شد. یکی از این موارد، خدمت سربازی است که ماجراهای مربوط به آن، از محورهای اصلی این رمان می‌باشد. میلاد با این تفکر که با انجام خدمت سربازی مرد خواهد شد به سربازی می‌رود: «کنث أدور بأفکاري حول أيامي التي ستأتي، مأخوذاً بمنظر التلال الرمادية والأشجار الكالحة على جانبي الطريق متخيلاً المصنع الذي سيجعل مني رجلاً»<sup>۲</sup>. (همان: ۵۳) در واقع سربازی یک ساختار تحمیل‌گر است که نگاه جامعه به آن مانند کارخانه‌ای است که مرد تولید می‌کند. میلاد هم متأثر از همین نگاه برای کسب هویت و مرد شدن به آن تن می‌دهد. نویسنده در طرح این ماجرا و سختی‌هایی که در آن برای میلاد

۲- «[عبسی: برای زدن همسرت نیاز به دلیل نداری من بعضی مواقع خواهرانم را فقط برای آرامش و دور کردن

سایهٔ تنبلی از خودم می‌زنم... گوش کن، زنان از کمر بند می‌ترسند، کمر بند سلاح مرد مقتدر است».

۱- «در مورد روزهایی که قرار بود بیاید فکر می‌کردم، در حالی که مجذوب منظرهٔ تپه‌های شنی و درختان خشک کنار جاده بودم و کارخانه‌ای که از من مردی خواهد ساخت را تصور می‌کردم».

رقم می خورد و بر او تأثیر منفی می گذارد، ارتباطی که جامعه بین سربازی رفتن و مرد شدن قائل است را نقد می کند. جامعه این ساختار را در راستای مرد شدن مثبت تلقی می کند. حال آنکه ماجرای میلاد، عکس آن را ثابت می کند. نویسنده با چنین پرداختی در داستان، نگاه غلط جامعه را رد می کند و نشان می دهد که چنین ساختار تحمیل گری لزوماً نمی تواند عامل مرد شدن پسرها و شکل دادن به هویت ایشان باشد. جلوه دیگری از یک ساختار (فرآیند) تحمیل گر، مسأله تأیید اجتماعی است؛ یعنی فرد برای این که بتواند (در مسیر کسب هویت) تأیید جامعه را بگیرد، ناچار است تن به عرف جامعه بدهد؛ به بیان دقیق تر، با اینکه بین خود اجتماعی فرد و هویت اجتماعی اش، فاصله وجود دارد، فرد می کوشد که جنبه هایی از خود را به نمایش بگذارد که مورد تأیید دیگران باشد. (مؤمنی؛ کلانتری، ۱۳۹۵: ۱۹۷) نمونه این مسأله، زمانی است که عیسی با میلاد در مورد عدم مدیریت خانواده از جانب او صحبت می کند و به میلاد می گوید که مردم او را بی غیرت می دانند و حتی در مورد عدم حجاب کامل خواهر زاده اش، برای میلاد ضرب المثلی ساخته اند: «[عیسی:] سمعتُ أحدهم يقول ذات مرة، عن هنادي ابنة أختك، وهي تخرج إلى الجامعة بالبنتال: "عيلة وخالها ميلاد" ... تعني أنّ الناس هنا يرونك ديوتاً لا غيرة لك ... أين سلطتك يا ميلاد»<sup>۱</sup> میلاد علی رغم اینکه خواهرزاده اش را مقصر نمی داند و او را سر به زیر می شناسد: «إنّما محترمة، وتسير في الشارع وعيناها إلى الأرض»<sup>۲</sup>؛ (النّعاس، ۲۰۲۰: ۲۰-۲۱) اما برای به دست آوردن تأیید اجتماعی، در صدد تنبیه هنادی بر می آید و او را از این کار منع می کند: «استدعيْتُ الفتاة وأثبتها على ما تفعلهُ، أخبرتها بأنّ عليها ارتداءَ الجبّة من الآن فصاعداً وإلاّ عليها أن تبقى في المنزل»<sup>۳</sup>. (همان: ۳۴۲) ملاحظه می شود با اینکه میلاد نگاه جامعه به هنادی مبنی بر عدم رعایت عرف جامعه که بر افراد تحمیل می شود را نمی پذیرد و ایرادی در کار خواهرزاده اش نمی بیند، اما مجبور می شود که به عرف جامعه تن داده و خواهرزاده اش را برای نشان دادن اقتدار خودش

۱- «[عیسی:] شنیدم که یکی از آنها در مورد خواهر زاده ات، هنادی که با شلوار به دانشگاه می رفت، می گفت: "خانواده و دایی میلادش" ... یعنی اینکه مردم تو را فرد بی غیرتی می دانند. اقتدارت کجاست میلاد؟».

۲- «او محترم است و در حالی که سر به زیر دارد، در خیابان راه می رود».

۳- «دختر را صدا زدم و به او هشدار دادم. به او گفتم که از الآن به بعد، روپوش بپوشد و گر نه باید در خانه بماند».

محدود کند. این مسأله از اموری است که میلاد علی رغم میل باطنی برای کسب تایید اجتماعی هویت خود به آن تن می‌دهد.

### فشار خانواده

خانواده به عنوان مهم‌ترین رکن جامعه، وظیفه مهمی در اجتماعی کردن فرد دارد. در این رمان نیز پدر میلاد در خانواده‌ای که میلاد تنها پسر آن است، وی را برای مرد شدن به شدت تحت فشار قرار می‌دهد؛ پدر از او به عنوان مهم‌ترین تقاضا، می‌خواهد که مرد شود و تکیه‌گاه خواهرانش باشد: «[الأب:] ستعرفُ عندما تكبر، المهمَّ يا ولد، لقد لاحظتُ فيك مُيوعةً، يجب أن تسترجل، أخواتك سيحتجن إلى رجلٍ بجانبهنَّ قريباً»<sup>۱</sup>. (همان: ۲۹) پدر بارها او را به خاطر مشارکت در امور خواهرانش مؤاخذه می‌کند: «اللهم صبرك. يا ولد يا غبي، أنت رجلٌ، لا يجوز للرجل أن يجالس النساء، إثمهما كالملاح والخميرة، ألم تفهم؟»<sup>۲</sup>. (همان: ۲۹) در جای دیگری، وقتی پدر می‌فهمد که او در کارهای زنانه خواهرانش دخالت می‌کند او را به شدت تنبیه می‌کند: «ينزعُ الحرامُ عن سرواله، ويجلديني حيثُ ما استطاع، "سأصنعُ منك رجلاً حتّى لو كان ذلكَ آخرَ يومٍ في حياتي"، "تنزعُ الشعرَ عن سيقان أخواتك أيّها المخنث؟" ينهازُ بعد غضبه باكيًا حظهً ... "أنتَ لستَ ابني ... لا أريدُ أن أراكَ في المنزل"»<sup>۳</sup>. (همان: ۲۲۰) در موقعیت دیگری میلاد گفتگوی مادرش با زینب را می‌شنود مبنی بر اینکه مادر، زینب را مؤاخذه می‌کند که چرا باید میلاد در امور زنانه وی دخالت کند و برایش ماده آرایش درست کند: «كيف تفعلين ذلكَ يا ابنتي؟ ألا تستحين من

۱- «[پدر:] وقتی بزرگ شدی خواهی دانست که مهم این است که مرد بشوی. خواهرانت به یک مرد کنارشان نیاز خواهند داشت».

۲- «خدایا صبر بده! ای پسر احمق، تو مردی، مرد نباید با زنان هم‌نشینی کند، آن‌ها مانند نمک و خمیر هستند آیا نمی‌فهمی؟».

۳- «کمربندش را در می‌آورد و تا جایی که می‌توانست مرا می‌زد. "آخر از تو مرد خواهم ساخت گرچه آن روز، روز آخر زندگی‌ام باشد" موی ساق پای خواهرانت را می‌زنی ای زن‌صفت؟" بعد از خشمش آرام می‌شد در حالی که بر شانش می‌گریست ... تو پسر من نیستی... نمی‌خواهم در خانه ببینمت».

زوجک؟»<sup>۱</sup>. (همان: ۲۴۴) میلاد با شنیدن این سخنان از اینکه مرد بودن او زیر سؤال است، احساس فشار روانی می‌کند: «اللَّعْنَةُ أَقُولُ وَأَنَا أَرَأَيْبَهُنَّ»<sup>۲</sup>. (همان: ۲۴۴)

نویسنده در پرداخت شخصیتی میلاد به دنبال نوعی هنجارشکنی در جامعه‌ای است که قید و بندهای سنت بر آن غلبه دارد. در این داستان، میلاد فردی است که امور زنانه انجام می‌دهد، به همسرش آزادی بیشتری داده و رفتاری متفاوت از جامعه نسبت به زن، با او دارد. اما آنچه که میلاد را دچار مشکل کرده، نگاه نادرست جامعه سنتی به این مسائل است. چنین شخصیت‌پردازی از یک سمت و نشان دادن سطح فرهنگ پایین جامعه و نگاه‌های غلط آن از سمت دیگر، نشان دهنده طرحتی است که نویسنده در ورای آن به دنبال تابوشکنی و فرهنگ‌سازی در جامعه مد نظر رمان برای اهمیت بخشیدن به هویت فردی است.

## گرایش به هویت فردی

### تربیت خانوادگی

جامعه‌شناسان، خانواده و خویشاوندی را مانند یک کشتزار می‌دانند که هویت افراد در آن شکل می‌گیرد و تأثیری که خانواده بر فرد می‌گذارد تا حد زیادی، مسیر فرد را مشخص می‌کند. (حاجیانی، ۱۳۸۸: ۸۷)

میلاد چهار خواهر دارد که تربیت او و خمیرمایه‌اش به شدت تحت تأثیر آن‌ها است. او می‌گوید که از آن‌ها کارهای زنانه یاد می‌گرفته: «أَنَا بِجَانِبَهُنَّ دَوْمًا، أَتَحَدَّثُ مَعَهُنَّ، يَوْمَهَا عَلَّمَتْنِي صَفَاءَ كَيْفِ أَصْنَعُ قَرِينَاتٍ لَشَعْرِ أَسْمَاءَ»<sup>۳</sup>. (النَّعَّاسُ، ۲۰۲۰: ۳۰) میلاد در کودکی دائماً با آنها بازی می‌کرده و با آنها تعامل داشته است: «كُنْتُ أَلْعَبُ مَعَ أَخَوَاتِي "الأمي سلامي" و "النَّقِيرَةَ" وَنَعْنِي "جَنِّينَ صَالِحِ، التَّفَاحِ، طَابِ وَفَاحٍ" لَمْ تَسْتَحِ أَخَوَاتِي مَنِّي يَوْمًا»<sup>۴</sup>. (همان: ۲۱۳) میلاد می‌گوید که آن‌ها

۱- «دخترم! چگونه این کار را انجام می‌دهی؟ آیا از همسرت خجالت نمی‌کشی؟».

۲- «لعنت. در حالی که مراقبتان بودم این کلمه را می‌گفتم».

۱- «من همیشه با آن‌ها هستم؛ با آن‌ها صحبت می‌کنم. آن روز صفاء به من یاد داد چگونه موهای اسماء را ببافم».

۲- «با خواهرانم "الامبی سلامی" بازی می‌کردم و باهم می‌خواندیم "جَنِّينَ صَالِحِ، التَّفَاحِ، طَابِ وَفَاحٍ" خواهرانم هرگز از من خجالت نکشیدند».

با او مانند یک عروسک رفتار می‌کردند، به مثابه یک دختر: «تلعبان بی کدمیه صغيرة وحبیه بین أیادیهما، القلیل من البودرة الحمراء علی خدّی وأساور للفتیات الصغیرات، ... ثم القلیل من أحمر الشفاه والكحل علی عینی»<sup>۱</sup>. (همان: ۲۱۷) میلاد از آن‌ها تمام کارهای خانه که در جوامع مردسالار کاملاً مربوط به زنان است را یاد می‌گیرد: «كنتُ أتعلّم الطبخ ولكن غسل الصحون أيضًا، حلاقة شعري في الحّمّام ولكن تنظيف المخلفات وتشطيف الحّمّام، توسیخ ملابسی وغسلها وکلبها وطيّها وتخزينها وترتيبها»<sup>۲</sup>. (همان: ۲۹۰) میلاد شخصیتی است که چنین پرورش اخلاقی دارد؛ بنابراین به صورت ناخواسته به رفتارهای دخترانه و طبع لطیف زنانه گرایش پیدا کرده است و رفتارهای مردانه که دلخواه جامعه است در او کمتر می‌باشد؛ زیرا پسرانی که با تعداد زیادی خواهر در خانواده خود بزرگ می‌شوند، رفتارهای جنسیتی آن‌ها تحت تأثیر قرار گرفته و شدت رفتارهای مردانه در ایشان کم می‌شود. (ایسنا، ۱۳۸۹) میلاد تا جایی تحت تأثیر رفتارهای زنانه بوده که گاه در امور بسیار شخصی خواهران نیز مشارکت می‌کند. مانند درست کردن مایه آرایشی برای آنها: «اعتدّن علی صناعتی للحلوی [للشعر]»<sup>۳</sup>. (النعاس، ۲۰۲۰: ۲۱۴) تربیت شدن میلاد به چنین شیوه‌ای، در درون او کشتی را به وجود آورده که او را به سمت هویت فردی، یعنی مردی که با زن‌ها معاشرت دارد، کارهای زنانه انجام می‌دهد، نگاهی متفاوت از جامعه به زنان دارد و ... می‌کشد. واضح است که این رویکرد رفتاری که در نهاد میلاد وجود دارد، متأثر از بزرگ شدن او در بین چهار خواهر است که با او رفتار دخترانه داشته‌اند و از این طریق بسیاری از رفتارهای خلاف عرف جامعه برای مردان را در او نهادینه کرده‌اند.

### عدم توانایی فردی

رشد شخصیتی میلاد متأثر از تعامل با خواهرانش به گونه‌ای بوده که او را فردی ضعیف به بار آورده است؛ زیرا تحت تأثیر احساسات رقیب زنانه و محبت‌های خواهرانش، شخصیتی عاطفی

۳- «با من مانند عروسک کوچک زنده‌ای در دستانشان بازی می‌کردند، کمی از پودر قرمز روی گونه‌ام و الگوهایی برای دختر بچه‌ها ... سپس کمی روژ لب و سرمه بر چشمانم».

۴- «من آشپزی و همچنین شستن ظرف‌ها را یاد می‌گرفتم، اصلاح موهایم در حمام و تمیز کردن آن، شستن لباس‌هایم و مرتب کردن آن‌ها و جمع کردن‌شان».

۱- «آن‌ها به مایه آرایشی که من می‌ساختم عادت کردند».

پیدا کرده است و آن سرسختی که جامعه از یک مرد انتظار دارد را ندارد. از همین رو در رویارویی با مسائلی که تاب و تحمل و سرسختی مردانه را از او می‌طلبد، نا موفق است. میلاد به دلیل ناکامی در تطبیق خود با معیارهای مرد بودن در جامعه، دچار خود کم بینی و احساس شکست است؛ چنین احساسی ناشی از عدم تاب آوری افراد در رویارویی با بحران‌ها می‌باشد (سقزی و همکاران، ۱۴۰۰: ۲۹۱) که میلاد به آن دچار است. او می‌گوید که در کودکی و حتی در دوران سربازی و همچنین در روابط با صاحب کارش، همواره مغلوب بوده است: «كل الخصومات التي دخلتها في طفولتي، كنتُ فيها الطرف الأضعف ... في المعسكر أيضاً لم أفلح في العراق، ولا حتى في خصوماتي البسيطة مع عربي بالبیتزاريا»<sup>۱</sup>. (النعاس، ۲۰۲۰: ۱۱۴) نویسنده در بسیاری از ماجراهایی که برای میلاد پیش می‌آید، ضعف شخصیتی و ابراز شکست او را به نمایش می‌گذارد. از نمونه‌های بارز این مسأله زمانی است که میلاد در کنترل ادرار خود بی اختیار می‌شود. این مورد در چند ماجرا در رمان برای میلاد اتفاق می‌افتد. یکی از این موارد، زمانی است که او در پادگان تحت فشار طاقت‌فرسای افسر آموزش، خودش را خیس می‌کند: «أغرقتنا المادوناً بالركض حول المضمار ... تعثرتُ في منتصف المسافة، ... عندما وصل المادوناً ... صرخ فيّ أن أفض ... لكّي كنت منهاراً ... تبولتُ على نفسي»<sup>۲</sup>. (همان: ۶۹-۷۰) مورد دیگر زمانی است که میلاد پس از شنیدن حرف‌های عبسی در مورد ارتباط زینب با مدیر موسسه‌اش، اقدام به خودکشی می‌کند؛ اما در این حین خودش را خیس می‌نماید: «عندما قررتُ، أخيراً، أن أضع الحبل حول عنقي، تبولتُ على نفسي»<sup>۳</sup>. (همان: ۳۳) ملاحظه می‌شود که نویسنده با ترسیم شخصیت ضعیف میلاد، به خوبی نشان می‌دهد که یکی از عوامل عدم پذیرش هویت اجتماعی از جانب او، ناتوانی‌اش است که منجر به سرگردانی او بین چیزی که هست و چیزی که جامعه می‌خواهد،

۲- «همه دعواهایی که در کودکی داشتم، همیشه در آنها طرف ضعیف‌تر بودم ... در پادگان نیز در هیچ درگیری پیروز نشدم و نه حتی در دعواهای ساده‌ام با استادم در پیتزا فروشی».

۱- «مادوناً ما را به شدت دور میدان دوانید ... در میانه‌های راه افتادم، ... وقتی مادوناً رسید ... بر سرم داد زد تا برخیزم ... اما من از نا افتاده بودم ... از ترس خودم را خیس کردم».

۲- «زمانی که بالآخره تصمیم گرفتم تا طناب را دور گردنم ببندازم، خودم را خیس کردم».

شده است. درگیری بین هویت فردی و اجتماعی در میلاد منجر به بروز پیامدهایی در مورد وی می شود.

### پیامدهای کشمکش بر سر هویت

کشمکشی که در این داستان بین جامعه و "خود" فرد بر سر کسب هویت (مرد شدن) وجود دارد، سبب شده تا فرد در کسب هویت دچار بحران هویت و آشفتگی در کسب آن (به تعبیر اریکسون) شود که پیامدهایی از قبیل: از خود بیگانگی، خودکشی، تعارض در کسب هویت (دو راهی دائم) و انفعال را در پی دارد.

### از خود بیگانگی

از مؤلفه‌هایی که اریکسون در خصوص فقدان هویت بیان می‌کند، مسأله بیگانگی است که به معنای جدایی فرد از جهان عینی می‌باشد. این بیگانگی می‌تواند در بیگانگی فرد از خودش بروز کند. (رضوی، ۱۳۸۸: ۱۸) منظور از بیگانگی از خود، شکلی از اغتراب درونی است که در آن عکس العمل فرد بر خلاف چیزی است که به آن تمایل دارد و یا برایش قابل قبول است. (یوسف، ۲۰۰۵: ۳۸) در عرصه هویت، فرد در نتیجه تعارض بین هویت خود و هویتی تحمیلی که خود را در برابر آن محکوم می‌بیند، احساس از خود بیگانگی می‌کند. (جزایری راد و همکاران، ۲۰۲۲م: ۱۲۵) این مسأله همان چیزی است که در رمان حاضر کاملاً نمود دارد. از مظاهر این امر، زمانی است که میلاد به عبسی تکیه می‌کند تا راه و رسم مرد شدن را به او بیاموزد: «العبسی کان ذکياً. تَمَنِّیْتُ دَوْمًا أَنْ أَکُونَ مِثْلَهُ». «ها هو عبسی، معیار للرجل ... طرقت الفكرة بالی، هل یمکن أن یعلّمني الرجولة؟»<sup>۱</sup> (النعاس، ۲۰۲۰: ۱۸ و ۳۷) حال آنکه عبسی خودش فرد سالمی نیست و رفتارهای انحرافی زیادی دارد. اما میلاد به خاطر احساس ناتوانی در کسب هویت تصمیم به چنین کاری می‌گیرد. مثال بارز از خود بیگانگی در ماجرای زندگی میلاد، این است که او با وجود شخصیت عاطفی‌ای که نویسنده از وی معرفی می‌کند، در ماجرای تعقیب دوباره زینب با تصور خیانت زینب به او، بدون اینکه از این مسأله یقین حاصل کند، زینب را به قتل می‌رساند: «جریئْتُ نحوها ممسگًا

۱- «عبسی بسیار باهوش بود، همیشه آرزو داشتم مثل او باشم ... آری عبسی، معیاری برای یک مرد ... فکری به سرم زد، آیا می‌شود او مردانگی را به من یاد دهد.»

بالموسی، احتضنتها، مرثُ الموسی فی رقیبتها، انبثقت روحها خارجةً؛<sup>۱</sup> (همان: ۳۴۱) با توجه به سیر داستان ملاحظه می‌شود، فردی که در تمام درگیری‌های زندگی‌اش مغلوب بوده، چندین بار از روی ضعف اقدام به خودکشی کرده و بزرگترین و تنها تنبیه او نسبت به همسرش یک سیلی بوده، از آنچه که در ذات خود دارد فاصله گرفته و اقدام به قتل همسرش می‌کند. چنین عملی اوج از خود بیگانگی است که در نتیجه تعارضات در کسب هویت مردانه در روان میلاد شکل گرفته است.

همچنین شایان ذکر است، اینکه میلاد تحت فشارهای اجتماعی کار در پیتزافروشی را رها کرده و وظیفه نان‌آور بودن را کاملاً به زینب می‌سپارد و به امور خانه می‌پردازد، می‌توان این واکنش میلاد را حرکت به سمت هویت مخالف جامعه تلقی کرد که در نظریه اریکسون از آن به "هویت منفی" تعبیر می‌شود؛ یعنی میلاد وقتی نمی‌تواند در کسب هویت اجتماعی موفق باشد، به عکس آنچه که جامعه می‌طلبد روی می‌آورد؛ یعنی به جای مرد شدن، کارها و وظایف یک زن را به عهده می‌گیرد.

### خودکشی

بنابر نظریه اریکسون، این امر زمانی پیش می‌آید که فرد در کسب هویت ناکام می‌ماند و احساس پوچی می‌کند، سپس گاهی خودکشی را به عنوان راه حلی برای پایان مشکل بر می‌گزیند. (Erickson, 1963: 40) در این رمان، میلاد سه بار اقدام به خودکشی ناموفق می‌کند که نشانگر گرایش شدید او به این کار است؛ به طور کلی، افراد خودکشی‌گرا در رویارویی با مشکلات نمی‌توانند راه حل مناسبی پیدا کنند و در حل مسأله ناتوان هستند؛ در نتیجه، مشکل را حل ناشدنی می‌دانند. (قهاری، ۱۴۰۱: ۴۶) میلاد نیز در تمام موارد خودکشی، بابت زیر سؤال بودن مردانگی‌اش، شکست در کسب هویت مورد انتظار جامعه و ناتوانی در حل این مسأله تحت فشار است و مبادرت به خودکشی می‌کند. بار اول زمانی است که در سربازی، تحت فشارهای سنگین جسمی و روحی قرار می‌گیرد: «لم أتحمّل العذاب اليومي ... لم أتحمّل الليلي

۱- «در حالی که تیغ را در دست داشتم به سمتش رفتم، او را در آغوش گرفتم، تیغ را بر گردنش کشیدم؛ روحش خارج شد.»

التي توقّف النوم فيها عن زيارتي، ... لم أحمّل شبح مُنير وهو يلاحقني في كلّ زاوية من زوايا الزنزانة، وهو يسألني لماذا تخلّيت عنه و لم أففز. قرّرت الانتحار. نزعْتُ ملابسي وشكّلْتُ منها حبلاً...»<sup>١</sup> (النعاس، ٢٠٢٠م: ٩٨) مورد دیگر، زمانی است که عبسی در مورد رابطه زینب با مدیر موسسه اش، به میلاد خبر می دهد و او که نمی تواند چنین فشاری را تحمل کند اقدام به خودکشی می کند: «هربتُ من فكرة الطلاق إلى فكرة إنهاء حياتي. عندما قرّرتُ أن أضع الحبل حول عنقي...»<sup>٢</sup>. (همان: ٣٣) بار سوم نیز، زمانی است که میلاد بعد از تعقیب زینب او را در کافه ای همراه مدیرش می بیند. سپس او را به خانه برگردانده با وی وارد مشاجره می شود. میلاد در پی این حادثه که برایش با احساس ناتوانی در کسب هویت مردانه همراه است، اقدام به خودکشی نموده، خودش را از پشت بام می اندازد: «في حيرتي ممّا حدث، وخوفي من طلب الطلاق المحتمّ حدوثه، صعدتُ إلى سطح البيت ... "الوداع يا زينب، سأريحك مني"، وتخيّلْتُ مشهد سقوط جارتنا، فقفزتُ...»<sup>٣</sup>. (همان: ٢٠٢-٢٠٣)

نویسنده با آوردن مسأله خودکشی در این داستان، نشان می دهد که وقتی جامعه بدون در نظر گرفتن توانایی فردی افراد، در پی تحمیل خود بر فرد است، او را در کسب هویت اجتماعی دچار مشکل خواهد کرد و ممکن است وی را به خودکشی سوق دهد. همانطور که میلاد در پی ناکامی در کسب هویت و آشفتگی آن، بارها اقدام به خودکشی می کند.

### تعارض در کسب هویت

سراسر این رمان صحنه کشمکش و تعارض بین هویت فردی و اجتماعی است. در این میان «توجه به هویت فردی تا جایی مطلوب است که با پیوستگی و انسجام اجتماعی متعارض نباشد»، (مقصودی پاشاکی، ١٤٠٢: ٨١) در غیر این صورت فرد را با چالش های جدی مواجه خواهد نمود. میلاد در این داستان با دو راهی ای مواجه است که نمی داند به کدام سمت باید برود. او در یک

١- «عذاب روزانه را تحمل نکردم، شب هایی را که خواب به سراغم نیامد را تحمل نکردم، سایه منیر را در حالی که از من می پرسید که چرا او را رها کرده و نپریدم و در هر گوشه از بازداشتگاه با من بود تحمل نکردم. تصمیم به خودکشی گرفتم. لباس هایم را در آوردم و به شکل طنابی درست کردم...».

٢- «از فکر طلاق به فکر پایان زندگی فرار کردم. زمانی که تصمیم گرفتم طناب را دور گردنم ببندم...».

٣- «در حیرت از آنچه اتفاق افتاد و ترسم از درخواست حتمی طلاق، بالای پشت بام رفتم... خدا حافظ زینب، تو را از دست خودم راحت می کنم، پس صحنه سقوط همسایه مان را تصور کردم و پریدم.».

تعارض آشکار، از طرفی رفتارهایی مخالف هنجار جامعه دارد و از طرفی هم به دنبال مرد شدن طبق انتظار جامعه است: «ورغم تعلّمي على يد الأنتي، وصبغي إصبعي على يدها، ورغم علاقتي بها، كنتُ أسعى بتشجيع من أبي إلى البحث عن هويّة مخالفة<sup>١</sup>. (النّاس، ٢٠٢٠م: ٢١٩) از نمونه‌های این تعارض جایی است که میلاد از طرفی خلاف عرف جامعه به همسرش اجازه خوردن مشروب الکلی می‌دهد و از طرفی هم به خاطر این کار که با اقتدار مردانه سازگار نیست، مورد فشار روانی قرار می‌گیرد: «اقتربت زينب وهمست في أذني "أريد أن أحرّب مذاق النبيذ...» [میلاد:] حسنًا لا مشكلة، همستُ لها مُحَرِّجًا، ... لعنتُ الموقف<sup>٢</sup>. (همان: ١٧٢) در جای دیگر میلاد از موقعیتی می‌گوید که در آن فقط به خاطر اینکه نامه‌ای از یک پسر را در کیف خواهرش، اسماء، پیدا کرده، او را می‌زند اما به خاطر این کار دچار اضطراب می‌شود: «ذات مرّة ضربتُ أختي الصغرى [اسماء] فقط لأنّني وجدت لديها رسالةً من أحد الأولاد الذين يدرسون معها في المدرسة، لكنّ ارتعاشي من الفعل جعلني أتعرّق من شكل الوحش الذي يخبئ داخلي<sup>٣</sup>. (همان: ٣١) در این موقعیت از طرفی فشار نگاه جامعه بر لزوم غیرت داشتن مرد و تنبیه زنان در چنین مواردی، میلاد را به تنبیه اسماء سوق داده، از طرفی هم شخصیت او چنین حرکتی را نمی‌پذیرد. این طور می‌شود که میلاد در یک تعارض حیران می‌ماند.

### انفعال

بر اساس نظریه اریکسون، یکی دیگر از پیامدهای فقدان هویت، گوشه‌گیری و انفعال در پی احساس فرد مبنی بر بی‌ارزشی است؛ به این معنی که وقتی فرد نگرش‌ها و باورهای هویتی را کسب نکند، نمی‌تواند در ذهن خود ارزش‌ها و هنجارهای با دوام ترسیم کند و دچار انفعال و انزوا می‌شود. (خواجه نوری، ١٣٩٣: ٩١) در این داستان نیز میلاد به صراحت بیان می‌کند که همیشه

١- «با اینکه به دست جنس زن آموزش دیدم و انگشتم را به دست او رنگ کردم و با وجود رابطه‌ام با او، به تشویق پدرم دنبال هویت مخالفی می‌گشتم».

٢- «زينب نزدیک شده در گوشم نجوا کرد "می‌خواهم مرّه شراب را تجربه کنم" [میلاد:] خب مشکلی نیست، تحت فشار به او گفتم. به این موقعیت لعنت فرستادم».

٣- «یکبار خواهرم را زدم فقط بابت اینکه نامه‌ای را نزد او از یکی از پسرهایی که با او در مدرسه درس می‌خواند، پیدا کردم، اما لرزم از این کار موجب شد که غرق عرق شوم در برابر حیوانی که در وجودم مخفی بود».

از مسائل مختلف فرار کرده است که به نوعی نشان‌گر انفعال او در روبرو شدن با امور مختلف در راستای کسب هویت اجتماعی است: «ولطالما أفلحْتُ في الهروب. هربتُ من الكوشة [مخبز] طيلة شبائي، ومن المدرسة والعسكرة والبرائة، وهربتُ حتّى من نفسي»<sup>۱</sup> (النعاس، ۲۰۲۰م: ۱۷) بارزترین جلوه انفعال در میلاد در داستان زمانی است که او در مقطعی از زندگی بابت ناکامی از مرد شدن، کار را رها کرده، خانه‌نشین شده و به امور خانه مشغول می‌شود. او رها کردن پیتزا فروشی را به دلیل عدم موفقیت در به دست آوردن مردانگی بر اساس معیارهای جامعه می‌داند: «لم أفهم سبب استقلالي [الخروج من البيئزرايا] حتّى الآن ... لعلّه انخزامي النهائي أمام معايير الرجولة التي وضعها المجتمع أمامي، ...»<sup>۲</sup>. (ممان: ۲۹۶)

نویسنده اهمیت مسأله کسب هویت در این داستان را با نشان دادن پیامدهای فقدان هویت (که انفعال یکی از آنها است)، به خوبی به تصویر کشیده است. النعاس با این شکل داستان-پردازی نوعی از واکنش منفی به فقدان هویت را نشان می‌دهد. امری که سبب می‌شود تا فرد نقش مفیدی در جامعه نداشته باشد.

### نتیجه‌گیری

- نویسنده در داستان‌پردازی خود با ایجاد درگیری بین کشش‌های درونی شخصیت اول (میلاد) با فشارهای اجتماعی، توانسته است تا مسأله بحران هویت و کشمکش بر سر آن و به تبع آن آشفتگی و فقدان هویت را در رمان حاضر به تصویر بکشد. به شکلی که تمام ماجراهای رمان صحنه کشمکش بر سر هویت میلاد بین "خود" و "جامعه" است.

- پیامدهای کشمکش بر سر هویت در این رمان مواردی از قبیل: از خود بیگانگی، خودکشی، دچار تعارض شدن و انفعال را در بر می‌گیرد. نویسنده در تبیین این مسائل، ماجراها را طوری پیش می‌برد که میلاد در آنها از طرفی با قرار گرفتن در حالت تنگنا بین شخصیت خود و فشارهای اجتماع و از طرف دیگر با احساس ناتوانی و پوچی، یا رفتاری می‌کند که علی‌رغم

۲- «همیشه در فرارها موفق شده‌ام. در جوانی از نانوایی گریختم، از مدرسه، پادگان و کلبه و حتی از خودم نیز گریختم».

۱- «تا الآن علت استعفایم را نفهمیدم ... شاید آن، شکست پایانی من در برابر معارهایی بود که جامعه برای مرد شدن پیش رویم گذاشته بود».

میل باطنی اوست یا اقدام به خودکشی می کند یا دچار انفعال می شود و یا در حالتی از سرگشتگی فرو می رود که غالب این موارد بنابر نظریه اریکسون در نتیجه فقدان هویت است.

- نویسنده با طرح ماجرای زندگی شخصیت اول (میلاد)، به مخاطب القا می کند که امروزه، افراد در کسب هویت، دیگر لزوماً تابع جامعه نیستند و در صورت اجبار جامعه، ممکن است فرد در تعارض بین خود و جامعه، دچار انحراف و فروپاشی شود.

- نویسنده توانسته است با نشان دادن ویژگی های جامعه و فشارهایی که در آن بر میلاد برای مرد شدن وارد می شود، جامعه مردسالار را مورد نقد قرار دهد؛ جامعه ای که هویت مردانه را با میزان تسلطی که فرد بر زنان دارد تعریف می کند. در واقع نویسنده با قرار دادن میلاد در برابر جامعه سنتی بر ارزش های حاکم بر چنین جامعه ای شوریده است.

### منابع

- الجزار، هانی. (٢٠١١م)، *أزمة الهوية والتعصب: دراسة في سيكولوجية الشباب*، ط ١، الجيزة: هلا للنشر والتوزيع.
- كوزن، بتر. (٢٠١٠م)، *البحث عن الهوية؛ الهوية وتشتتها في حياة ايريك اريكسون وأعماله*، ترجمة سامر جليل رضوان، ط ١، دولة الإمارات العربية المتحدة العين: دار الكتاب الجامعي.
- النعاس، محمد. (٢٠٢٠م)، *خبير على طاولة الخال ميلاد*، ط ١، تونس: دار المسكلياني للنشر.
- يوسف، محمد عباس. (٢٠٠٥)، *الاغتراب والإبداع الفني*، د. ط، القاهرة: دار غريب للطباعة والنشر والتوزيع.
- ابوالحسنی، رحيم. (١٣٨٨)، *تعيين و سنجش مؤلفه های هویت ایرانی*، تهران: مركز تحقیقات استراتژیک.
- جنکینز، ریچارد. (١٣٨١)، *هویت اجتماعی*، ترجمه تورج یار احمدی، تهران: شیرازه.
- حاجیانی، ابراهیم. (١٣٨٨)، *جامعه شناسی هویت ایرانی*، چاپ اول، پژوهشکده تحقیقات استراتژیک، گروه پژوهش های فرهنگی و اجتماعی.
- شرفی، محمد رضا. (١٣٨١)، *جوان و بحران هویت*، چاپ سوم، تهران: سروش.
- صابری، حانیه؛ یاسمن مجتبیایی. (١٤٠٠)، *بررسی مؤلفه های هویت در رمان رجال فی الشمس غسان کنفانی*، چاپ اول، تهران: نظری.
- قهاری، شهربانو. (١٤٠١)، *مداخله در خودکشی*، چاپ اول، تهران: رشد.

بحران هویت فردی و اجتماعی در رمان "خبز علی طاولة الخال ميلاد" محمد النعاس زهره ناعمی\*، ...

- Erickson, E.H. (1963), *childhood and society*. (2<sup>nd</sup> edn). New York: W. W. Norton & Co, Inc.

- ایمان، تور؛ دغوش خوخة. (۲۰۲۱م)، *أزمة الهوية والاعتراب في رواية "أن تبقى" لخولة حمدي*، جامعة محمد خيضر بسكرة، قسم الآداب واللغة العربية، الجزائر.

- تينهينان، إحموشن؛ غلاي مختارية. (۲۰۲۲م)، *تمثّلات الهوية في رواية عناق عند جسر بروكلين لعز الدين شكري فشير*، بإشراف بويديب الهادي، جامعة عبد الرحمن ميرة، قسم اللغة والأدب العربي، الجزائر.

- جليليان، صبري. (۱۳۹۴)، *جلوه های مقاومت، نوستالژی و بحران هویت در شعر شاعران تبعید عراقی (بررسی موردی اشعار عدنان الصائغ و حسن رحيم الخرساني)*، به راهنمایی حامد صدقی، دانشگاه خوارزمی تهران، زبان و ادبیات عربی.

- جزایری راد، بشری؛ فرامرز میرزایی؛ خلیل پروینی؛ هادی نظری منظم. (۲۰۲۲م)، «إشكالية التأزم الهوياتي في النقد ما بعد الكولونيالي: تحديد مؤشرات أزمة الهوية في التحليل الروائي»، *إضاءات نقدية*، السنة ۱۲، العدد ۴۸، ص ۱۱۱-۱۳۶.

- محلاتي، حيدر. (۲۰۲۳م)، «الموروث التقليدي وصناعة العنف؛ دراسة تحليلية في رواية "خبز علی طاولة اخلال ميلاد" للروائي الليبي محمد النعاس»، *اللغة العربية وآدابها*، المجلد ۱۹، العدد ۳، ص ۲۶۹-۲۸۵.

- احمدی، سیروس و همکاران. (۱۴۰۰)، «خشونت علیه زنان: حاکمیت ایدئولوژی مردسالار و هژمونی سلطه مذکر، مطالعه موردی: زنان شهر بوشهر»، *زن در توسعه و سیاست*، دوره ۱۹، شماره ۴، ص ۵۴۵-۵۷۲.

- افضلی، علی؛ نسترن گندمی؛ مهدخت نبوی. (۱۳۹۷)، «در جستجوی خویشتن؛ واکاوی بحران هویت در رمان "ساقه بامبو" بر اساس نظریه اریکسون»، *انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی*، شماره ۴۷، ص ۹۷-۱۱۶.

- خادمی، الهام و همکاران. (۱۴۰۲ش)، «واکاوی هویت نوجوانان در رمان فتن بر اساس نظریه اریک اریکسون»، *اولین همایش بین المللی پژوهش های میان رشته ای در پرتو زبان عربی و جریان های ادبی، مشهد*.

- خواجه نوری، بیژن؛ لیلا پرنیان؛ صغری همت. (۱۳۹۳)، «مطالعه رابطه سبک زندگی و هویت اجتماعی؛ مطالعه موردی: جوانان شهر بندرعباس»، *فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران*، دوره ۷، شماره ۱، ص ۶۹-۹۴.

- رضوی، اقدس سادات. (۱۳۸۸)، «نوجوانی و هویت یابی»، *مجله مشاوره مدرسه*، دوره ۵، شماره ۱، ص ۱۶-۲۰.

- سعادت نژاد، زهرا؛ نگار مزاری؛ محمد رضا فارسیان. (۱۳۹۹)، «تحلیل روانشناختی بحران هویت قهرمان زن در فرهنگ مردسالار از خلال مطالعه رمان ترس و لرز نوشته نوتومب»، *مطالعه زبان و ترجمه*، دوره ۵۳، شماره ۳، پائیز، ص ۱۵۳-۱۷۷.
- سقزی، ایوب و همکاران. (۱۴۰۰)، «نقش واسطه ای عملکرد خانواده در رابطه تاب آوری با احساس حقارت»، *مجله روان شناسی*، سال ۲۵، شماره ۲، ص ۲۹۰-۳۰۸.
- عبد اللهی، محمد؛ محمد عثمان حسین بر. (۱۳۸۱)، «گرایش دانشجویان بلوچ به هویت ملی در ایران»، *جامعه شناسی ایران*، سال ۴، شماره ۴، ص ۱۰۱-۱۲۶.
- غضنفری، فیروز. (۱۳۸۵)، «بررسی مقایسه ای بهزیستی دانشجویان دختر و پسر بر حسب ارزیابی از هویت اجتماعی و هویت فردی»، *فصلنامه اصول بهداشت روانی*، سال ۸، شماره ۳۱ و ۳۲، ص ۱۲۳-۱۳۰.
- ماهوزی، زهرا؛ رسول بلاوی؛ ناصر زارع. (۱۳۹۹)، «واکاوی بحران هویت زنان زیر تیغ داعش در رمان الکافره بر پایه نظریه اریکسون»، *جامعه شناسی هنر و ادبیات*، دوره ۱۲، شماره ۲، ص ۲۴۳-۲۶۴.
- مؤمنی، حسن؛ عبد الحسین کلاتری. (۱۳۹۵)، «بد حجایی؛ واکنش سوزه به تأیید اجتماعی»، *فصلنامه توسعه اجتماعی*، دوره ۱۱، شماره ۱، ص ۱۸۹-۲۱۵.
- مقصودی پاشاکی، رضا. (۱۴۰۲)، «تعارض انسجام اجتماعی و هویت شخصی در قانون حاکم بر روابط خانوادگی»، *دوفصلنامه علمی فقه و حقوق خانواده*، دوره ۲۸، شماره ۷۸، ص ۷۹-۱۰۳.
- ممدوح حسن، سماح. (۲۰۲۲م)، «خبز علی طاولة الخال میلاد.. کیف تصنع مجتمعاتنا العربية القتلة»، *مجلة قنّاص الثقافة*، <https://qannaass.com/?p=4181>
- اکبری، مرضیه. (۱۴۰۲)، «چاره اندیشی پیامدهای روانی و اجتماعی "ناباوروری" مغفول مانده است»، *ایرنا*، <https://www.irna.ir/news/85206311/>
- ایسنا. (۱۳۸۹)، «کاهش رفتارهای جنسیتی در پسرانی که خواهران زیادی دارند»، *خبرگزاری ایسنا*، <https://www.isna.ir/news/8908-01217/>

## References

- Cozen, Peter. (2010), *The Search for Identity; Identity and its dispersion in the life and works of Erik Erikson*, translated by Samer Jalil Radwan, first edition, United Arab Emirates, Al-Ain: University Book House.
- Al-Jazzar, Hani. (2011), *The Crisis of Identity and Intolerance: A Study in Youth Psychology*, first edition, Giza: Hala Publishing and Distribution.
- Al-Naas, Muhammad. (2020), *Bread on Uncle Milad's Table*, first edition, Tunisia: Al-Maskeliani Publishing House.

- Youssef, Muhammad Abbas. (2005), *Alienation and Artistic Creativity*, ed., Egypt: Dar Gharib for Printing, Publishing and Distribution.
- Abolhasani, Rahim. (2008), *determining and measuring the components of Iranian identity*, Tehran: Strategic Research Center.
- Hajjani, Ibrahim. (2008), *Sociology of Iranian Identity*, First Edition, Strategic Research Institute, Cultural and Social Research Department.
- Jenkins, Richard. (2002), *social identity*, translated by Tooraj Yar Ahmadi, Tehran: Shiraz.
- Qahari, Shahrabano. (2022), *intervention in suicide*, first edition, Tehran: Rushd.
- Sharafi, Mohammad Reza. (2002), *Youth and identity crisis*, third edition, Tehran: Soroush.
- Sabri, Haniyeh; Yasman Mojtabaie. (2021), *investigation of the components of identity in Ghassan Kanfani's novel Rizal Fi Shams*, first edition, Tehran: Nazari.
- Erickson, E.H. (1963), *childhood and society*. (2<sup>nd</sup> edn). New York: W.W. Norton & Co, Inc.
- iman, tur; dagnush khukha. (2021), *The Crisis of Identity and Alienation in the Novel "To Remain" by Khawla Hamdi*, Mohamed Kheidar University of Biskra, Department of Arabic Literature and Language, Algeria.
- Tinhinan, Ehmoshen; ghalay, mokhtaryah. (2022), *Representations of Identity in the Novel An Embrace at the Brooklyn Bridge by Ezzedine Shukri Fashir*, supervised by Boudib Al-Hadi, Abderrahmane Mira University, Department of Arabic Language and Literature, Algeria.
- Jalilian, Sabra. (2014), *Manifestations of resistance, nostalgia and identity crisis in the poetry of Iraqi exile poets (a case study of the poems of Adnan Al-Saegh and Hassan Rahim Al-Khorsani)*, under the guidance of Hamed Sedqi, Khwarazmi University, Tehran, Arabic language and literature.
- Jazayeri Rad, Bushra; Framarz Mirzaei; Khalil Parwini; Hadi Nazari Monazam. (2022), "The Problem of Identity Crisis in the Post-Colonial Criticism: Clarifying the Constituents of Identity Crisis in the Narrative Analysis", *Rays of Criticism in Arabic & Persian*, Year 12, Issue 48, pp. 111-136.
- Mahallati, Haider. (2023), "Traditional heritage and the industry of violence; An analytical study of the novel "Bread on Uncle Milad's Table" by the Libyan novelist Muhammad al-Na'as", *Arabic Language and Literature*, Volume 19, Issue 3, pp. 269-285.
- Abdullahi, Mohammad; Mohammad Osman Hossein Bar. (2002), «Tendency of Baloch students to national identity in Iran», *Sociology of Iran*, fourth year, number 4, pp. 126-10.
- Ahmadi, Siroos et al. (1400), «Violence against women: the dominance of patriarchal ideology and hegemony of male power, case study: women of Bushehr city», *Zan in Development and Politics*, Volume 19, Number 4, pp. 572-545.
- Afzali, Ali; nastaran gandomi; mahdokht nabavi. (2017), "In search of self; Analyzing identity crisis in the novel "Bamboo Stem" based on Erikson's theory", *Iranian Society of Arabic Language and Literature*, No. 47, pp. 116-97.
- Ghazanfari, Firooz. (2006), «A comparative study of the well-being of male and female students based on the assessment of social identity and individual identity», *Usul Mental Health Quarterly*, Year 8, No. 31 and 32, pp. 123-130.

- Khademi, Elham et al. (1402), "Analysis of the identity of teenagers in Faten's novel based on Erik Erikson's theory", *the first international conference of interdisciplinary research in the light of Arabic language and literary trends*, Mashhad.
- Khaje Nouri, Bijan; Leila Parnian, Soghari Hammet. (2013), «Study of the relationship between lifestyle and social identity; Case study: Youth of Bandar Abbas city», *Iranian Cultural Research Quarterly*, Volume 7, Number 1, pp. 69-94.
- Razavi, Aghdas Sadat. (2008), «Adolescence and Identity», *School Counseling Magazine*, Volume 5, Number 1, pp. 20-16.
- Saadat Nejad, Zahra; Negar Mazari; Mohammad Reza Farsian. (2019), «Psychological analysis of the identity crisis of the female protagonist in patriarchal culture through the study of the novel Fear and Trembling written by Notomb», *Language and Translation Studies*, Volume 53, Number 3, Fall, pp. 153-177.
- Saqqezi, Ayoub and authors. (2021), «The mediating role of family functioning in the relationship between resilience and inferiority complex», *Journal of Psychology*, Year 25, Number 2, pp. 290-308.
- Mahozi, Zahra; Rasoul Balavi; Naser Zare (2019), «Analysis of the identity crisis of women under the blade of ISIS in the novel Al-Kafrah based on Erikson's theory», *Sociology of Arts and Literature*, Volume 12, Number 2, pp. 264-243.
- Maqsodi Pashaki, Reza. (2023), «Conflict of social cohesion and personal identity in the law governing family relations», *biannual scientific journal of jurisprudence and family law*, volume 28, number 78, pp. 79-103.
- Momeni, Hassan; Abdul Hossein kalantari. (2016), «Improper hijab; Subject's reaction to social approval», *Social Development Quarterly*, Volume 11, Number One, pp. 215-189.
- Mamdough Hassan, Samah. (2022 AD), «Bread on Uncle Milad's table"... How do our Arab societies create killers», *Qannas Cultural Magazine*, <https://qannaass.com/?p=4181>
- Akbari, Marzieh. (2023), «the solution to the psychological and social consequences of "infertility" has been neglected», *IRNA*, <https://www.irna.ir/news/85206311/>
- ISNA (2009), «reduction of sexual behaviors in boys who have many sisters», *ISNA news*, <https://www.isna.ir/news/8908-01217/>

## أزمة الهوية الفردية والاجتماعية في رواية "خبز على طاولة الخال ميلاد" لمحمد النعاس معتمدةً على نظرية إريكسون

نوع المقالة: أصلية

زهره ناعمى<sup>١</sup>، عبد الله حسيني<sup>٢</sup>، سلمان آزمون علي آباد<sup>٣</sup>

١. أستاذة مشاركة في قسم اللغة العربية وآدابها، جامعة الخوارزمي، طهران، إيران.
٢. أستاذ مشارك في قسم اللغة العربية وآدابها، جامعة الخوارزمي، طهران، إيران.
٣. طالب الدكتوراه في فرع اللغة العربية وآدابها، جامعة الخوارزمي، طهران، إيران.

تاريخ قبول البحث: ١٤٠٣/٠٤/١٢

تاريخ استلام البحث: ١٤٠١/١٢/١٣

### الملخص

تمتلك قضية الهوية مكانة مرموقة في الدراسات الاجتماعية المعاصرة نظرًا إلى سيطرة الفردية على السلوك الإنساني في عالمنا الحاضر مقابل الجماعية. تنعكس هذه القضية في الأدب أيضًا وخاصةً في الرواية المعاصرة؛ لأنها تعبيرٌ عن الحياة الحقيقية وقضاياها السائدة. تطرقت رواية "خبز على طاولة الخال ميلاد" لمحمد النعاس، الفائزة بجائزة البوكر العربي سنة ٢٠٢٢ إلى موضوع أزمة الهوية والصراع عليها بين الفرد والمجتمع. على ذلك قامت هذه المقالة معتمدةً على المنهج التحليلي - الاجتماعي بدراسة الهوية المضطربة في الرواية المذكورة مستهدفةً تبين مشاكلها وأسبابها وعواقبها. حصلت الدراسة على أنّ حركة القصة في أحداثها المتعددة تنتهي إلى عدة عواقب نتيجة أزمة الهوية والصراع عليها وهي: الاغتراب عن الذات، والانتحار، والتعارض بين النفس والمجتمع، والانعزال. يمكن تبين كل هذه العواقب على أساس نظرية إريكسون. يقصد الكاتب من وراء الصراع على الهوية إلى استجلاء الأهمية البالغة للخصائص الفردية في بناء الهوية من جانب واستجلاء الهوية الاجتماعية إذا كانت مفروضةً على الفرد حيث تؤدي إلى انهياره من جانب آخر.

**الكلمات المفتاحية:** اضطراب الهوية، نظرية إريكسون، النفس والمجتمع، محمد النعاس، رواية (خبز على طاولة الخال ميلاد).